

مسئولین یک ظاهر و صد باطن در ورزش

دامن ورزش را با برخی حرکتهای نسنجیده و رفتارهای ناشی از عقده‌های درونی و قدرت‌طلبی و بلندپروازی‌های بی‌حساب و کتاب آلوده نکنیم. در قامت طرفداری از ورزش و به عشق مدیریت در آن، این عرصه را فضایی برای خودنمایی غیر ورزشی‌های همیشه مدعی و زیر آبزن تبدیل نکنیم. رقابت سالم در تمام عرصه‌های آن از میادین تا مجامع انتخاباتی را حاکم نماییم و با رعایت کامل قوانین از آسیب بیشتر به ساختار آن ممانعت کنیم. ورزش باید در راستای تقویت روحیه همکاری و تعامل بین افراد و گروه‌های مختلف نقش‌آفرینی کند، آن را وسیله‌ای برای تفرقه، رنجاندن و گوشه‌نشینی ورزشی‌های اصیل و کارنامه‌دار تبدیل نکنیم.

چند روزی صاحب امر و امضاء بودن در ورزش، ارزش آن را ندارد که این مقوله را از کارکرد اصل‌اش دور بکنیم و خوبی‌ها و نقاط مثبت آن را با بدی‌ها و نقاط منفی جایگزین نماییم. فرقی نمی‌کند از وزیر ورزش تا یک کارشناس ساده هر فردی که در این وادی تلاش بکند خیانتکاری است که راندنش از محیط ورزش لازم و ضروری خواهد بود.

ورزش به نوبه خود عرصه‌ای است برای ساختن و پرورش انسان‌ها. هدف ورزش چون مدرسه، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی آدم‌سازی است. وظیفه مهم و قابل‌توجه ورزش، تربیت نوجوانان و تکامل روح و جسم آنهاست. ورزش با قرار گرفتن در مسیر درست و اصولی‌اش می‌تواند روحیات ناب انسانی را در جسم و جان ورزشکاران تزریق بکند و آنها را از پلیدی‌ها و زشتی‌ها تا حد امکان دور نماید.

ورزش موقعی می‌تواند برای دستیابی به هدف امیدوار باشد که مسئولین و دست‌اندرکاران‌اش برای سالم‌سازی فضای آن اقدام بکنند. دروغ و دروغ‌گویی از هر شخص و در هر زمینه‌ای ورزش را از اهداف‌اش دور می‌کند، زیرآب‌زنی، پرونده‌سازی و اتهامات ناروا به افراد، قامت کشیده‌ی ورزش را خم و روزگارش را تباه می‌کند، پایمال کردن حق افراد و گروه‌ها و توجه به دوستان و آشنایان و جایگزین کردن رفاقت‌ها و باندبازی‌ها با شایسته‌سالاری‌ها آتش بر ساختار ورزش می‌افکند، تفسیر قوانین و مقررات و زیر پا گذاشتن اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها به خاطر دوستان و رفقا، لرزه بر اندام خدمتگزاران می

اندازد و وسیله‌ای برای راندن پیشکسوتان و بزرگان ورزش به گوشه رینگ می‌شود، سرپوش گذاشتن بر ضعف عملکردها و تلاش برای خاموش کردن صدای منتقدان آفتی برای توسعه و رشد ورزش تلقی می‌شود و یکدندگی و اصرار بر اجرای خواسته‌های خود و اهمیت ندادن به پیشنهادها و دل‌سوزی‌ها، وسیله‌ای برای جان گرفتن خودمحوری و غرور و تکبر می‌شود. در هر کجای ایران بزرگ و سرافراز که دست‌اندرکاران ورزش بر خلاف جریان آب شنا بکنند و خود و دوستان را محور تشخیص بدانند ورزش را در سرایشی سقوط قرار می‌دهند و نسخه‌ای سراسر درد و غم و شکست و ناکامی برایش می‌پیچند.

مسئول ورزش در هر رده و در هر پستی که بوده باشد باید دغدغه‌ای جز سربلندی ورزش نداشته باشد. زمینه استفاده از همه نیروها را فراهم بکند و فضای آن را کاملاً برای تنفسی پرانرژی مساعد نماید. ورزش موقعی به موفقیت و درخشش یاران و جوانان خود امیدوار می‌شود که مسئولین‌اش یک ظاهر و صد باطن نباشند.